

### چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه جامعه‌شناختی تعیین گره‌های فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی است. جامعه‌پذیری دانشگاهی فرآیندی است که از طریق آن یک فرد دانشگاهی یاد می‌گیرد چگونه ارزش‌ها، هنجارها، تمایلات و مهارت‌های مورد نیاز را برای عضویت در یک اجتماع علمی کسب کند و التزام به ارزش‌های رفتاری و اخلاقی فضای دانشگاهی داشته باشد. پژوهش حاضر با رویکرد کمی و روش همبستگی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی به تعداد ۳۹۹۰ نفر هست که با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب ۳۶۰ نفر به عنوان نمونه برآورد شده است. برای اندازه‌گیری متغیرها از پرسشنامه‌های استاندارد سرمایه اجتماعی، انگیزش تحصیلی و فرهنگ‌سازمانی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss و AMOS انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازمانی و انگیزش تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای انگیزش تحصیلی، فرهنگ‌سازمانی و سرمایه اجتماعی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی ۲۳ درصد از واریانس متغیر جامعه‌پذیری دانشگاهی را تبیین می‌کنند. نتایج آزمون t نشان داد که جامعه‌پذیری دانشگاهی بر حسب وضعیت تأهل دانشجویان تفاوت معنی‌داری ندارد؛ بنابراین، با توجه به یافته‌های این پژوهش مسئولان دانشگاه تدابیر و سیاست‌های تخصصی در جهت بهبود مطلوب فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی طراحی و اجرا نمایند.

■ واژگان کلیدی

جامعه‌پذیری دانشگاهی، سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازمانی، انگیزش تحصیلی

## مطالعه تعیین گره‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی (مورد مطالعه: دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی)

### داود قاسمزاده

ستادیار، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
(D.ghasemzadeh@cfu.ac.ir)

### سهراب یزدانی

استادیار، گروه آموزش مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران  
(yazdani.s@gmail.com)

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

نهاد علم واجد مجموعه مشخصی از هنجارها و ارزش‌ها است که بنا به هدف اصلی علم، یعنی توسعه دانش تأیید می‌شوند، مشروعیت می‌یابند و از طریق نظام پاداش و مجازات تقویت و یا تضعیف می‌شوند. چنین هنجارها و ارزش‌هایی از طریق اجتماعی شدن توسط کارگزاران علم منتقل می‌شوند. این هنجارها به شکل اوامر، منع‌ها، ترجیح‌ها و اجازه‌ها تجلی می‌یابند و بر مبنای الزامات نهادی مشروعیت پیدا می‌کنند. ضرورت انتقال این اصول و استانداردها به افراد در عرصه علمی به مفهوم جامعه‌پذیری دانشگاهی نقب می‌زند. جامعه‌پذیری دانشگاهی به عنوان رکن اصلی در نظام‌های علمی و آموزش عالی در درجه اول وابسته به این است که کنشگران این عرصه از احساس تعهد درونی لازم برای التزام به هنجارهای فعالیت علمی برخوردار باشند. این موضوع مسائل و چالش‌هایی را پیش روی آموزش عالی و دانشگاه‌ها ایجاد نموده است به طوری که به عنوان موضوعی کلیدی در عرصه آموزش دانشجویان مورد تأکید قرار گرفته است (نظرمنصوری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۴). بر اساس آمار و ارقام، هر سال هزاران دانشجو وارد دانشگاه‌های مختلف می‌شوند و مدیریت جامعه در طی سال‌های دانشجویی، سرمایه‌گذاری زیادی برای آنها می‌کند تا به اهداف خود در انتقال ارزش‌ها و هنجارها دست یابد که البته بسیاری از ارزش‌ها و هنجارها نیز ناخواسته به دانشجویان منتقل می‌شوند که کارکرد پنهان دانشگاه هست (قانع‌ی راد و رشتیانی، ۱۳۹۴: ۵). این فرآیند توصیف مفهوم جامعه‌پذیری به معنای هم‌نوایی فرد با اصول، ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حرفه‌ای است که در آن فعالیت دارد. اصطلاح جامعه‌پذیری، توصیف فرآیندی است که در آن فرد شروع به پذیرش نگرش و باورهای یک گروه مرجع پیش از به دست آوردن عضویت در آن می‌کند (رفاهی بخش، ۱۳۹۹: ۹۰). جامعه‌پذیری دانشگاهی، پرورش و اشاعه هنجارهای دانشگاهی در محیط‌های علمی و درونی شدن هنجارها در بین کنشگران دانشگاهی علاوه بر تقویت توسعه آموزش عالی و خلق دانش، قواعد اخلاقی مرتبط با فعالیت‌های علمی را نهادینه می‌کند و به نزدیکی بیشتر علم و اخلاق در محیط دانشگاهی منجر می‌شود (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷). آستین معتقد است، جامعه‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن افراد ارزش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای زیستن در جامعه را کسب می‌کنند. این افراد با جامعه‌پذیر شدن، عضوی از یک گروه، اجتماع یا سازمان می‌شوند (آستین، ۲۰۰۲: ۴۵).

شواهد موجود حاکی از وجود کاستی‌های جدی در فرایند جامعه‌پذیری و درونی‌سازی ارزش‌های دانشگاهی و شکل‌دهی به هویت علمی در نظام دانشگاهی کشور است. ناکارایی فضای دانشگاهی ایران در ایجاد و پرورش هنجارها و تبلور آن در رفتارها و گفتارهای دانشگاهیان، ناسازگاری و بی‌ثباتی در فرایند گفتگو و مذاکره و ضعف در همکاری‌های گروهی، نبود انگیزه کافی برای سخت‌کوشی و تحمل مرارت‌های علم، ناکارآمد بودن برنامه‌های درسی و آموزشی، مشارکت اندک دانشجویان در سمینارهای داخلی، آماده نکردن دانشجویان برای اجرای پژوهش، ضعف روحیه پژوهش و پژوهشگری، نبود فرهنگ مشارکت و روحیه علم‌گرایی، ضعف تعامل علمی دانشجویان با استادان و دانشجویان خارج از کشور، نبود فرهنگ نقد و نقدپذیری در اجتماعات دانشگاهی، گرایش به پیروی از ضد هنجارهای علم، فردگرایی در آموزش و موفقیت و پیشرفت تحصیلی از جمله مواردی است که در پژوهش‌های متعدد به چشم می‌خورد. به علاوه، گسترش بی‌برنامه آموزش عالی و توده‌ای شدن آن در یکی دو دهه گذشته و چرخش از «آموزش به مثابه سرمایه‌گذاری» به «آموزش به مثابه مصرف» یا به تعبیر ریتزر «مک‌دونالدیزه شدن آموزش عالی» هر چه بیشتر بر ناکارآمدی دانشگاه در خصوص جامعه‌پذیری دانشگاهی دامن زده و پیامدهای منفی دیگری چون اختلال هویت دانشگاهی، مدرک‌گرایی، بی‌انگیزگی و از خودبیگانگی علمی، بیکاری دانش‌آموختگان و از بین رفتن سرزندگی حیات دانشگاهی را در پی داشته است (مه‌دیه و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۵). در میدان واقعی دانشگاه‌ها هم حاکی از این است که انگیزه دانشجویان برای انجام فعالیت‌های علمی، مشارکت در حوزه پژوهش با استادان، پایبندی به اخلاق پژوهشی در انجام پروژه‌های کلاسی و حتی پایان‌نامه و رساله، شرکت در «مناسک تعاملی» مبتنی بر حوزه‌های تخصصی رشته‌های خود به شدت کاهش یافته است. در مطالعه فرا تحلیلی که توسط برگر و همکاران (۲۰۱۹) انجام شده به این نتیجه رسیدند که ابعاد جامعه‌پذیری دانشگاهی نظیر مشارکت، تشویق، فعالیت‌های شناختی-فکری با موفقیت‌های دانشگاهی در مراحل مختلف مرتبط است (برگر و همکاران، ۲۰۱۹: ۸۵۶). در پژوهش‌های مختلف به عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی پرداخته‌اند. عواملی نظیر سرمایه دانشگاهی و خود اثربخشی دانشگاهی (نظر منصوری و همکاران، ۱۴۰۰)؛ طبقه اقتصادی-اجتماعی، موفقیت علمی و تعاملات و ارتباطات (رشتیانی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ تعریف خود و تجربه‌های دانشگاهی (Saglietti, 2024) پرداخته‌اند. با تأمل در پژوهش‌های داخلی و خارجی در مسئله جامعه‌پذیری دانشگاهی مشخص می‌شود که آن دسته از مطالعات محدود هم که صورت گرفته

است بیشتر روی ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده موضوع متمرکز بوده‌اند و به نظر می‌رسد که هنوز رویکرد جامعی در این رابطه وجود ندارد. از سوی دیگر، پژوهش‌های داخلی بیشتر بر جامعه‌پذیری علمی تأکید داشته‌اند که مفهومی عام‌تر از جامعه‌پذیری دانشگاهی است. جامعه‌پذیری دانشگاهی به محیط تحصیلی و دانشگاهی محدود می‌شود. با توجه به اهمیت جامعه‌پذیری دانشگاهی در ادبیات مرتبط با آموزش عالی، پژوهش‌های اندکی در این رابطه صورت گرفته است، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این خلأ پژوهشی است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مطالعه تعیین‌گرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجو معلمان است.

## ۲. پیشینه پژوهش

خوشنام (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری که با رویکرد کیفی و مشارکت ۳۰ دانشجوی دکتری و ۵ مدیر و برنامه‌ریز دانشگاهی انجام داده به این نتیجه رسیده است که ضعف فرهنگ نقدپذیری در اجتماعات دانشگاهی، ضعف در همبستگی اجتماعی لازم برای شکل‌گیری اجتماعات علمی، درونی نشدن اخلاقیات آکادمیک، ارتباط محدود محیط کسب و کار با دانشگاه، احساس بی‌ارزشی علمی، ضعف در همکاری بین گروهی و بین‌دانشگاهی، ضعف در مرجعیت علمی استادان نزد دانشجویان و ضعف همکاری‌های علمی بین‌المللی از جمله ادراکات دانشجویان است. در این پژوهش یکی از الزامات تحقق نسل چهارم دانشگاه، جامعه‌پذیری موفق و کارآمد دانشجویان است.

نظر منصوری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان که با رویکرد کمی و تکنیک پیمایش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس، شهید بهشتی، شیراز و فردوسی انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که وضعیت کلی جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تحصیلات تکمیلی ۵ دانشگاه مورد بررسی در ابعاد چهارگانه فراگیری نقش دانشجو، درگیری در نقش، مشارکت، سرمایه‌گذاری و احساس هویت حرفه‌ای در سطح متوسط قرار دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه دانشگاهی و خود اثربخشی دانشگاهی بیشترین تأثیر را بر جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان داشته است.

نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی را با استفاده از روش همبستگی و تکنیک پیمایشی در بین ۳۲۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی اصفهان انجام داده‌اند. در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی، عضویت در اجتماعات علمی، تعامل با دوستان و جو مشارکتی دانشکده با میزان هویت دانشجویی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش همچنین نشان داد که در ارزیابی مدل ساختاری حجم اثر متغیر جامعه‌پذیری دانشگاهی در حد متوسط و سایر متغیرها در حد کم است.

عباس زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی با پایبندی به اخلاق پژوهش که با رویکرد کمی و تکنیک پیمایشی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که میزان پایبندی به اخلاق پژوهش بیشتر از مقدار متوسط است که بیشترین میانگین درصدی مربوط به بعد احترام به حقوق اخلاقی آزمودنی‌ها و کمترین میانگین درصدی نیز به بعد مسئولیت‌پذیری اجتماعی مربوط است. نتایج تحلیل رگرسیونی در این پژوهش نشان داده است متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی (با ابعاد تعامل دانشجو با دانشجو، جو حمایتی دانشکده، تشویق دانشجویان به فعالیت علمی و مشارکت در فعالیت‌های علمی) ۳۰ درصد از تغییرات متغیر پایبندی به اخلاق پژوهش را تبیین می‌کند.

رشتیانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه جامعه‌پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران به تعداد ۲۸۲ نفر که با روش توصیفی و تکنیک پیمایش انجام داده است به این نتیجه رسیدند که اصول و ارزش‌های اخلاقی، سن، طبقه اقتصادی و اجتماعی، موفقیت علمی و تعاملات و ارتباطات بر میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان تأثیرگذار است.

فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری دانشگاه اصفهان عنوان پژوهشی است که توسط مهدیه و همکاران (۱۳۹۵) به روش کیفی و با رویکرد نظریه داده بنیاد در بین ۳۱ نفر از دانشجویان دوره‌ی دکتری و ۹ نفر از اساتید دانشگاه اصفهان انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده‌ی ناکارآمدی و ضعف جریان جامعه‌پذیری دانشگاهی در مقطع دکتری است. این مسئله متأثر از برخی شرایط علی نظیر ضعف نظام آموزشی و پژوهشی، ضعف جامعه‌پذیری استادان و بی‌کیفیتی تعاملات و همکاری‌های علمی میان دانشجویان

است. همچنین ضعف فرهنگ علمی جامعه، مسائل مربوط به ساختار و سیاست‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه اصفهان از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری دانشگاهی محسوب می‌شود و نظام انگیزشی و ارزشی دانشجو برای حضور در مقطع دکتری شرایط مداخله‌گری است که جریان جامعه‌پذیری ناکارآمد علمی را تشدید می‌کند.

ماریا لویزا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان جامعه‌پذیری دانشگاهی دوره کارشناسی که با استفاده از تحلیل سری زمانی انجام داده‌اند، در این مطالعه نخست ساختار سه عاملی (وظیفه، گروه و سازمان) را مورد بررسی قرار داده است. در مطالعه دوم، تغییرناپذیری سازه را در طول زمان آزمایش کرده و تغییرات رشدی دانشجویان کارشناسی را از طریق یک طراحی طولی دو موجی مقایسه کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد که ابزار سه عاملی (USQ) ابزاری قابل اعتماد برای نظارت بر اثربخشی فرآیند سازگاری دانشجویان است. همچنین امکان مقایسه بین گروه‌های خاص از دانشجویان یا مقایسه طولی برای ارزیابی پیشرفت شغلی آنها یا اثربخشی سیاست‌های هدفمند برای کاهش ریسک حاشیه‌ای شدن و ترک تحصیل را فراهم می‌کند.

مارتین آلکازار<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان سرمایه اجتماعی و عملکرد پژوهشی دانشگاهی به این نتیجه رسیدند که آگاهی از چگونگی ایجاد سرمایه اجتماعی اعضای گروه پژوهشی برای جامعه دانشگاهی اهمیت فزاینده‌ای دارد. سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش تعداد مقالات و ارتقای کیفیت این نشریات توسط محققین شود. آگاهی بیشتر از نقش ابعاد مختلف تعاملات اجتماعی در ایجاد سرمایه اجتماعی درونی و بیرونی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی گروه‌های پژوهشی کمک کند.

کراس و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان جامعه‌پذیری دانشگاهی، انتظارات آموزشی والدین و خودکارآمدی دانشگاهی در بین ۱۴۸ نفر از بزرگسالان لاتین مکزیکی تبار به این نتیجه رسیدند که بعد از محاسبه سطح تحصیلات و وضعیت مهاجر، انتظارات آموزشی والدین به صورت مثبت و معنی‌داری با خودکارآمدی تحصیلی بزرگسالان رابطه دارد. نتایج این پژوهش به اهمیت تفاوت‌های ظریف در محتوا و نوع پیام‌های جامعه‌پذیری دانشگاهی در خانواده‌های لاتین اشاره دارد.

1. Martin-Alcazar

کارگنانو و میراندو (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان عناصر بازاندیشی در جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان نسل اول در آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که دانشجویان برای استمرار موفقیت در دانشگاه با انواع مختلف اهداف بسیج می‌شوند از جمله: ابزاری، برای رسیدن به زندگی بهتر؛ اخلاقی، برای انجام مسئولیت با خانواده خود؛ سیاسی برای ایجاد تغییرات اجتماعی است. پویایی‌های آنها برای تشخیص و تمایز با نقد محیط دانشگاهی از برنامه‌هایی که در انتقال بین محیط‌های هنجاری متمایز به وجود می‌آید.

المرشدی (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌پذیری دانشجویان متعلق به اقوام و نژادهای گوناگون در مقایسه با دانشجویان بومی در دانشگاه‌های آمریکا پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد جامعه‌پذیری دانشگاهی تحت تأثیر متغیرها و شرایط متعددی نظیر ۱. دسترسی به اطلاعات؛ ۲. روابط تخصصی و علمی، ۳. جامعه‌پذیری کلاسی، ۴. جامعه‌پذیری مبتنی بر زبان و ۵. جنسیت قرار دارد.

هویت دانشگاهی به مثابه تعدیل‌کننده روابط بین جامعه‌پذیری والدین و موفقیت دانشگاهی عنوان پژوهشی است که توسط استراملر و همکاران در سال ۲۰۱۳ انجام شده است. این پژوهش به دنبال بررسی این است که آیا هویت دانشگاهی یا سرمایه‌گذاری عاطفی و روان‌شناختی در دانشگاه‌ها روابط بین جامعه‌پذیری آموزشی و نمرات آزمون استاندارد پیشرفت تحصیلی را در بین ۳۶۷ دانشجویان مدارس متوسطه شهری تعدیل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش و جامعه‌پذیری با موفقیت دانشجویان ارتباط معکوس دارد؛ اما وقتی که با هویت دانشگاهی تعدیل می‌شود؛ اثر آن مثبت می‌شود (استراملر و همکاران، ۲۰۱۳: ۹۹).

بهار هورینستین<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان ارتقای جامعه‌پذیری دانشگاهی به‌واسطه خدمات تجارب یادگیری با رویکرد کیفی و روایت پژوهی انجام دادند. فهم دانشجویان از مزایای کار بر روی ژورنال در پنج مضمون طبقه‌بندی شده است: تقویت کار دانشگاهی، تجربه کار دانشگاهی، نقش‌های دانشگاهی، نوشتن برای انتشار و درگیری با اولویت‌ها و ترجیحات.

### ۳. مبانی و چارچوب نظری

استفاده از اصطلاح جامعه‌پذیری در معنای جدید آن از اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ آغاز شد. جامعه‌پذیری پدیدآوردن نگرش‌ها، ارزش‌ها و شایستگی‌های تازه‌ای است که موجب پدید آمدن انگاره ذهنی شخصی و رفتارهای تازه‌ای می‌شود که برای ایفای نقش‌های تازه فرد، مفید هستند (شائمی برزکی و اصغری، ۱۳۸۹: ۱۱۳). عنصر مرکزی برای درک تجربه دانشجویان در فضای علمی، مفهوم جامعه‌پذیری است. جامعه‌پذیری فرآیندی است که از طریق آن افراد، ارزش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت‌های موردنیاز برای زیستن در جامعه را کسب می‌کنند. این افراد با جامعه‌پذیر شدن عضوی از یک گروه، اجتماع یا سازمان می‌شوند (نظرمنصوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). جامعه‌پذیری عبارت است از مجموعه‌ای از سازوکارها که به واسطه آن‌ها افراد مهارت روابط اجتماعی در میان انسان‌ها را می‌آموزند و هنجارها، ارزش‌ها و باورهای جامعه یا اجتماع را جذب می‌کنند. هنجارها، بیانگر قواعد و رسومی هستند که به لحاظ اجتماعی تجویز شده‌اند و کردارهای یک اجتماع یا یک گروه خاص را مشخص می‌کنند که از جمله می‌توان به زبان، قواعد نزاکت، رفتارهای جسمانی و غیره اشاره کرد. به نظر بوردیو، جامعه‌پذیری از طریق شکل‌گیری عادت‌واره مشخص می‌شود. عادت‌واره نظامی از خصلت‌های پایدار است که فرد در جریان فرآیند جامعه‌پذیری به دست آورده است. خصلت‌ها عبارت‌اند از نگرش‌ها، تمایلات ادراکی، احساسات، کردارها و اندیشه‌هایی که افراد به علت شرایط عینی وجودی‌شان درونی کرده‌اند و از این رو، به صورت اصول ناآگاهانه کنش، ادراک و بازاندیشی عمل می‌کنند. درونی‌سازی یکی از سازوکارهای اساسی جامعه‌پذیری است که به واسطه آن رفتارها و ارزش‌های آموخته شده خود به خودی، طبیعی و نسبتاً فطری به نظر می‌رسند، این سازوکارها امکان درونی‌سازی کنش را فراهم می‌کند، بدون آن که ما ناگزیر به یادآوری آشکار قواعدی باشیم که باید برای انجام کنش رعایت کنیم (بون ویتز، ۲۰۰۵). جامعه‌پذیری دانشگاهی، کارآمدی دانشگاهی دانشجویان را تقویت می‌کند (بک، ۲۰۱۷).

در حوزه جامعه‌پذیری دانشگاهی رویکردهای متفاوتی از سوی مکاتب و صاحب‌نظران این حوزه مطرح شده است که می‌توان بخش اعظم آن را در چند رویکرد تقسیم‌بندی کرد. الف- رویکرد ساخت هنجاری علم: بنابراین رویکرد، نهاد علم دارای مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست که از طریق فرایند جامعه‌پذیری به دانشجویان انتقال می‌یابد و توسط پاداش‌ها و تنبیهات، تقویت و کنترل می‌شود. در واقع، «فعالیت علمی» ناشی از نظامی از

روابط اجتماعی‌ای است که خود تحت تأثیر هنجارهای علمی، سازمان‌یافته، هدایت و کنترل می‌شوند. بدین ترتیب، کنشگران دانشگاهی در درون یک نظام اجتماعی سازمان می‌یابند و این نظام باید همانند سایر نظام‌های اجتماعی به طریقی کارکردگرایانه مورد تحلیل قرار گیرد. مرتن سرشت علم را مرکب از مجموعه ارزش‌ها، هنجارها و قواعدی می‌دانست که از جانب نهاد علم به رسمیت شناخته می‌شود (ریترز، ۱۳۷۳: ۲۳۴).

ب- رویکرد سازمان اجتماعی علم: این رویکرد که بن دیوید از بنیان آن به شمار می‌رود بر سازمان اجتماعی درون نهاد علم و تأثیر این سازمان بر رشد و شکوفایی علم تأکید دارد و فرض بنیادین این رویکرد، «تأثیر تعیین‌کننده عامل سازمانی بر رشد و پیشرفت علمی» است. اشکال سازمانی، سیستم‌های تصمیم‌گیری، نقش‌های علمی در سازمان‌های علم و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر، تمرکزگرایی یا تکثرگرایی در نظام دانشگاهی، نحوه ارتباط آموزش با پژوهش در درون سازمان‌های علمی، میزان تمایز و تخصصی شدن نقش‌های علمی و نسبت اعضای جامعه علمی با این نقش‌ها، میزان نهادی شدن نقش‌های علمی در درون سازمان‌های علمی، انواع و مقدار حمایت از این نقش‌ها، رابطه بخش‌های سازمانی مختلف در درون نظام دانشگاهی یا هر سازمان علمی از جمله محورهای مطالعاتی در این رویکرد به شمار می‌رود.

ج- رویکرد کارکردگرایی برون‌گرا: به تحلیلی ساختی - کارکردی از نهاد علم می‌پردازد و در چارچوب بررسی روابط کارکردی بین نهاد علم و سایر نهادها، مفاهیم «تمایز ساختی»، «تمایز فرهنگی» و «ادغام» را به عنوان مفاهیم نظری این رویکرد برجسته می‌کند (رشتیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵).

استارک و همکاران (۱۹۸۶) مدل تعاملی را در ارتباط با جامعه‌پذیری دانشگاهی ارائه می‌دهند که واجد عناصری شناختی و عاطفی بوده و دربرگیرنده متغیرهایی مانند تأثیرات بیرونی، سازمان درونی، جنبه‌های برنامه تحصیلی و پیامدهای مورد انتظار است. به باور آنها دیدگاه سنتی جامعه مرتبط با آموزش حرفه‌ای، عموماً بر این پایه استوار است که عاملان و کارگزاران جامعه‌پذیری، ابعاد هنجاری یک نقش حرفه‌ای را شناسایی کرده و آنها را به دانشجویان از طریق ابزارهای غیررسمی (نظیر مدل‌سازی نقش) و رسمی (نظیر دستورالعمل‌ها، پاداش‌ها و ضمانت‌های اجرایی) انتقال می‌دهند. فرد تازه وارد رفتار نقش مناسب را از طریق دستورالعمل‌های تعلیمی و از طریق تعامل با دیگرانی که قدیمی‌ترند و یا جهت دریافت پاداش و یا فرار از تنبیهی که برای رفتار هم‌نوا و غیرهم‌نوا دیده شده است، فرا می‌گیرد. به طور کلی برنامه‌های آماده‌سازی حرفه‌ای دانشگاهی را باید تحت تأثیر

عوامل برون‌سازمانی، درون‌سازمانی و فرا‌سازمانی دانست. این نیروها برای خلق یک محیط آماده‌سازی حرفه‌ای در تعامل هستند که این به نوبه خود بر طراحی فرآیندهای آموزشی مربوط نیز تأثیر می‌گذارند. عنصر کلیدی در مدل استارک و همکاران مفهوم محیط آماده‌سازی حرفه‌ای است. این محیط به عنوان متغیر میانجی میان تأثیرات سه‌گانه و فرآیندهای آموزشی عمل می‌کند (نظر منصور و همکاران، ۱۴۰۰).

کالینز در نظریه «مناسک تعاملی» به منظور تبیین تعاملات و ارتباطات در اجتماعات علمی به بررسی انواع زنجیره‌های مناسک تعاملی در جهان اندیشمندان و روشنفکران می‌پردازد. به نظر وی «رخداد‌های رایج در زندگی روزمره، با شعایر مذهبی مورد نظر دورکیم از لحاظ نوعی یکسان و مشابه هستند». در اجتماعات علمی افراد یک چیز یا کنش مشابه را در مرکز توجه قرار می‌دهند و هریک از آنها از اینکه دیگری نیز همین فضای توجه را حفظ می‌کند، آگاه است. آنها احساس می‌کنند اعضای یک گروه‌اند که نسبت به یکدیگر تعهدات اخلاقی دارند. هر چیزی که آنها در طول کنش متقابل خود بر آن تمرکز کرده بودند، نماد رابطه آنها می‌شود. به همین ترتیب، زمانی که افراد از این نمادها در بحث یا تفکر خود استفاده می‌کنند، عضویت گروهی خود را به یاد می‌آورند. افرادی که در مناسک شرکت می‌کنند، به نسبت شدت کنش‌ها از انرژی احساسی سرشار می‌شوند. دورکیم این انرژی را «نیروی اخلاقی» می‌نامد؛ یعنی جریان شور و اشتیاقی که افراد درگیر در مناسک تعاملی را به کنش‌های قهرمانی، غیرت و فداکاری وامی‌دارد. به عقیده کالینز دنیای دانش و پژوهش چیزی جز یک جهان کلان‌گفتگو و مکالمه نیست که سرمایه فرهنگی را در مراسم رویارویی متناوب همایش‌ها، جلسات بحث و مناظره و سخنرانی‌ها به جریان و چرخش در می‌آورد. نمادها، ایده‌ها و فنون خاص در اجتماع علمی پایگاه برتر پیدا می‌کنند و از لحاظ اخلاقی و شناختی نافذ و الزام‌آور هستند. شخصیت‌ها، متون و دانشمندان برجسته در اجتماع علمی، ارزش‌های نمادین دارند و به افزایش انرژی احساسی کمک می‌کنند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳).

وجود فرآیندهای جامعه‌پذیری در جوامع علمی از شرایط ضروری برای ادغام افراد در اجتماعات و مشارکت اجتماعی است. آموزش عالی نوعی جامعه‌پذیری جدید برای دانشجویان است و کارکرد اجتماعی کردن در نظام آموزشی عالی از اهمیت زیادی برخوردار است. از دیدگاه جامعه‌شناختی ورود جوانان دانشجو به محیط دانشگاه به معنای عضویت در یک اجتماع علمی - فرهنگی با مناسبات، روابط، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خاص خود است.

جوانان با ورود به این محیط دارای ساختار اجتماعی - یا مناسبات و روابط بین دانشجویان از یک‌سو و دانشجویان و اساتید از سوی دیگر - و فضای فرهنگی ویژه خود، با فرآیند جامعه‌پذیری رو به رو می‌شوند و با فرض مؤثر بودن این فرآیندها به درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای شناختی و اجتماعی می‌پردازند. اجتماعی شدن دانشگاهی، فرآیندی است که طی آن جوانان تازه وارد را به دانشجویانی آگاه و آشنا با هنجارهای شناختی و اجتماعی و الگوهای رفتاری مورد انتظار تبدیل می‌کند. «فرآیندهای جامعه‌پذیری، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی» را به تازه واردان منتقل می‌کنند. رابطه جوان با محتوا از طریق تعامل با کارگزاران جامعه‌پذیری افرادی پرورش می‌یابند که نسبت به ارزش‌ها، نظریات و فنون ویژه علم مقید است. بدین ترتیب در دنیای دانش، جامعه و فرهنگ یا اجتماع علمی و الگوهای شناختی از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند. فرآیندهای جامعه‌پذیری پیوستگی بین تعاملات اجتماعی و تکوین یا انتقال محتوای شناختی را برقرار می‌کنند (قانع‌ی راد و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۹).

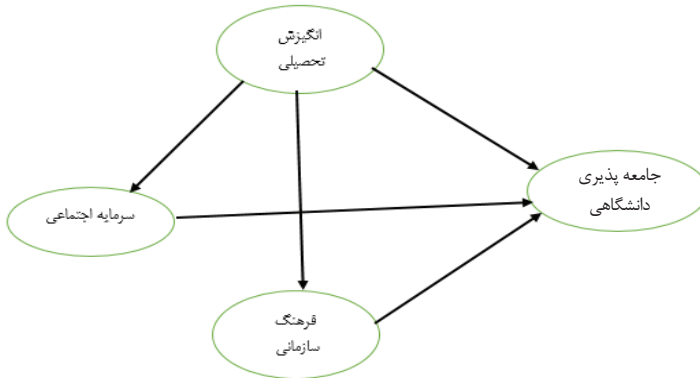
به منظور شناسایی متغیرهای مؤثر در جامعه‌پذیری دانشگاهی از مدل تعاملی استارک و نظریه مناسک تعاملی کالینز استفاده شد. در مدل تعاملی تأکید بر این است که جامعه‌پذیری دانشگاهی متأثر از متغیرهای بیرونی و درونی ساختار دانشگاهی است که در پژوهش حاضر دو متغیر فرهنگ‌سازمانی دانشگاه و انگیزش تحصیلی دانشجویان از این مدل استخراج شده است. در نظریه مناسک تعاملی کالینز تأکید بر ارتباط و تعامل دانشجویان در یک اجتماع علمی است که دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارها عادات رفتاری خاصی است. در این مناسک تعاملی، فرآیندهای جامعه‌پذیری به انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی به دانشجویان جدید کمک کرده و هویت علمی را تشکیل می‌دهد. در این متغیر سرمایه اجتماعی از نظریه مناسک تعاملی کالینز استخراج شده است. در ادامه فرضیه‌ها و مدل تحلیلی پژوهش به شرح ذیل آمده است:

- به نظر می‌رسد بین انگیزش تحصیلی و جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین فرهنگ‌سازمانی و جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد انگیزش تحصیلی با میانجی سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد انگیزش تحصیلی با میانجی فرهنگ‌سازمانی در جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان تأثیر دارد.
- به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان سرمایه اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است.



شکل ۱: مدل تحلیلی تحقیق

#### ۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که با رویکرد کمی و به صورت پیمایشی انجام می‌شود و برحسب نوع اجرا، در طبقه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد. برای اینکه پژوهشگر سعی دارد تا متغیرها را به صورت تجربی بسنجد. به لحاظ زمانی، در زمره تحقیقات مقطعی است که در یک برهه زمانی خاصی صورت می‌گیرد. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی<sup>۱</sup> است چرا که داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته جمع‌آوری می‌شوند. همچنین، می‌توان گفت این پژوهش از نوع مطالعات همبستگی است که در صدد هست که با شناسایی متغیرهای پیش‌بین، نقش آنها را در تبیین واریانس متغیر ملاک (جامعه‌پذیری دانشگاهی) مورد بررسی قرار دهد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی است که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب برآورد شده است. جامعه آماری

مورد مطالعه تمامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی به تعداد ۳۹۹۰ نفر (۶۰ درصد پسر و ۴۰ درصد دختر) است که با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب ۳۶۰ نفر به‌عنوان نمونه برآورد شده است. انتخاب این شیوه نمونه‌گیری نخست به این دلیل است که پژوهشگر به لیست جامعه آماری پژوهش حاضر دسترسی دارد. ثانیاً جامعه آماری مورد مطالعه هم یک جامعه ناهمگن است. به همین دلیل نمونه پژوهش باید به طبقاتی که از نظر صفت متغیر همگن هستند، طبقه‌بندی شود؛ بنابراین، در پژوهش حاضر تعداد نمونه هر طبقه متناسب با تعداد جامعه آماری است. واحد تحلیل در این پژوهش، دانشجو معلمان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد جامعه‌پذیری دانشگاهی، سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازمانی و انگیزش تحصیلی استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای حصول اطمینان از پایایی ابزار سنجش، در مرحله پیش‌آزمون، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، سازگاری درونی گویه‌ها برآورد شد. ضرایب پایایی متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی (۰/۷۲۶)، انگیزش تحصیلی (۰/۷۱۲)، فرهنگ‌سازمانی (۰/۷۲۰) و سرمایه اجتماعی (۰/۷۳۴) است که نشان‌دهنده سازگاری درونی گویه‌ها است.

#### تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

جامعه‌پذیری دانشگاهی: فرآیندی است که از طریق آن افراد، ارزش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای زیستن در جامعه را کسب می‌کنند. این افراد با جامعه‌پذیر شدن عضوی از یک گروه، اجتماع یا سازمان می‌شوند (نظر منصور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه جامعه‌پذیری دانشگاهی که در رساله دکتری علی بوداقتی اجرا شده است، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۸ گویه و ۵ بعد مشارکت در فعالیت‌های علمی، تعامل دانشجو با استاد، تعامل دانشجو با دانشجو، تشویق علمی و جو حمایتی دانشگاه است. سرمایه اجتماعی: پاتنام در تعریف سرمایه اجتماعی می‌نویسد: «اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و تعاون را برای نیل به منافع متقابل آسان می‌سازند» (پاتنام، ۱۳۸۰). برای اندازه‌گیری این سرمایه اجتماعی از پرسشنامه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی که رفیعی، قاسم‌زاده و موسوی (۱۳۹۴) با ترکیب چند پرسشنامه این ابزار را برای سنجش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی ساخته‌اند، استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۰ گویه در طیف لیکرت بوده و دارای ۵ بعد همدلی و تعلق، سبک زندگی متفاوت، علایق متفاوت، اعتماد و همکاری و مشارکت است.

انگیزش تحصیلی: به رفتارهایی اطلاق می‌شود که منجر به یادگیری و پیشرفت می‌گردد. در حوزه آموزش، انگیزه یک پدیده سه‌بعدی است که دربرگیرنده باورهای شخصی درباره توانایی انجام فعالیت و واکنش عاطفی مرتبط با فعالیت است (امیدیان و همکاران، ۱۳۹۸). برای اندازه‌گیری انگیزش تحصیلی از مقیاس انگیزش تحصیلی<sup>۱</sup> والرنند و همکاران (۱۹۹۲) استفاده شده است. این مقیاس شامل ۳ خرده مقیاس انگیزش درونی (۱۲ گویه)، انگیزش بیرونی (۱۲ گویه) و بی‌انگیزگی (۴ گویه) است که در مجموع دارای ۲۸ گویه است.

فرهنگ‌سازمانی: مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌هاست که یک گروه در مواجهه با مسائل سازگاری بیرونی کشف، طراحی و فرامی‌گیرند و به جهت اعتبار آن، به اعضای جدید به عنوان یک شیوه و روش درست ادراک، تفکر و احساس در خصوص حل مشکلات گروه آموزش داده می‌شود (شاین<sup>۲</sup>، ۱۳۸۳). برای اندازه‌گیری فرهنگ‌سازمانی در این پژوهش، از پرسشنامه استاندارد فرهنگ‌سازمانی دنیسون استفاده شده است که در طیف لیکرت تنظیم شده و دارای ۴ بعد مشارکت، سازگاری، انطباق و رسالت است.

## ۵. یافته‌های پژوهش

از مجموع ۳۶۰ نفر، ۱۴۷ نفر دانشجوی دختر و ۲۱۳ نفر دانشجوی پسر می‌باشند. به عبارتی ۴۰/۸ افراد نمونه آماری دانشجوی دختر و ۵۹/۲ درصد افراد نمونه آماری دانشجوی پسر بودند. برحسب متغیر وضعیت تأهل ۲۳۲ نفر مجرد و ۱۲۸ نفر متأهل بودند. از کل نمونه آماری، ۷۱ درصد از پاسخگویان در خوابگاه و ۲۸ درصد از پاسخگویان ترددی اعلام کرده‌اند.

جدول ۱. نتایج رابطه انگیزش تحصیلی، فرهنگ‌سازمانی و سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی

تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	روابط
۳۶۰	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	رابطه بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی
۳۶۰	۰/۳۲۰	۰/۰۰۰	رابطه بین فرهنگ‌سازمانی و جامعه‌پذیری دانشگاهی
۳۶۰	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰	رابطه بین انگیزش تحصیلی و جامعه‌پذیری دانشگاهی

1. Academic Motivation Scale
2. Schein

برای آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازمانی و انگیزش تحصیلی با جامعه‌پذیری دانشگاهی از آزمون پیرسون استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها که برابر  $0/000$  است و مقایسه آن با میزان خطای مجاز  $0/05$  با اطمینان ۹۵ درصد فرض  $H_0$  آماری که دال به عدم وجود رابطه بین این سه متغیر و جامعه‌پذیری دانشگاهی است، رد می‌شود؛ به عبارت دیگر، نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه مثبت و معنی‌داری دارند؛ یعنی هر چه سرمایه اجتماعی دانشجویان افزایش می‌یابد، میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش پیدا می‌کند. با توجه به مقدار و علامت ضریب همبستگی به دست آمده که برابر  $0/239$  است که نشان‌دهنده شدت رابطه متوسط است. همچنین نتایج جدول حاکی از این است که بین فرهنگ‌سازمانی و جامعه‌پذیری دانشگاهی با توجه به ضریب همبستگی ( $0/320$ ) رابطه در سطح متوسط وجود دارد. بین انگیزش تحصیلی و جامعه‌پذیری دانشگاهی هم با توجه به ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری کمتر از ( $0/05$ ) همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲. مقایسه میانگین جامعه‌پذیری دانشگاهی بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری
جامعه‌پذیری دانشگاهی	مجرد	۶۶/۶۵	۱۱/۹۴	-۱/۳۹۷	۳۵۸	۰/۹۷۶
	متأهل	۶۸/۵۰	۱۲/۱۵			

نتایج آزمون  $t$  نشان می‌دهد که میانگین جامعه‌پذیری دانشگاهی بر حسب وضعیت تأهل تفاوت معنی‌داری ندارد. مقدار آماره آزمون  $T$  مستقل برای مقایسه میانگین جامعه‌پذیری دانشگاهی بین دو گروه مجردان و متأهل‌ها برابر ( $-1/397$ ) است و چون سطح معناداری آن برابر  $0/976$  و بیشتر از  $0/05$  است پس نتیجه می‌شود که فرض برابری میانگین جامعه‌پذیری دانشگاهی بر حسب وضعیت تأهل رد می‌شود. پس نتیجه می‌شود که بین مجردها و متأهل‌ها به لحاظ جامعه‌پذیری دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره تعیین کننده های جامعه پذیری دانشگاهی

دوربین واتسون ۱/۷۶		$R^2 = /۲۳$ تصحیح شده		$R^2 = /۲۴$		۰/۴۹ = همبستگی چندگانه	
منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری		
رگرسیون باقی مانده کل	۱۱۹۵۸/۱۲۷ ۳۶۸۶۴/۹۵۲ ۴۸۸۲۳/۰۷۹	۴ ۳۳۷ ۳۴۱	۲۹۸۹/۵۳۲ ۱۰۹/۳۹۲	۲۷/۳۲	۰/۰۰۰		

جدول ۴. ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی جامعه پذیری دانشگاهی

متغیرها	B	خطای معیار	Beta	t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۵/۹۴۵	۹/۳۳	-	۰/۶۳۵	۰/۵۲۶
انگیزش تحصیلی	۰/۳۰۵	۰/۰۴۱	۰/۴۵۷	۷/۴۷	۰/۰۰۰
فرهنگ سازمانی	۰/۱۳۳	۰/۰۵۷	۰/۱۵۰	۲/۳۱	۰/۰۲۱
سرمایه اجتماعی	۰/۰۷۵	۰/۰۴۳	۰/۱۱۹	۱/۷۳	۰/۰۵۱

به منظور تبیین و پیش بینی واریانس متغیر جامعه پذیری دانشگاهی و برآورد میزان نقش و تأثیر متغیرهای در ایجاد واریانس از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یکی از پیش فرض های اساسی در تحلیل رگرسیون چند متغیره، نرمال بودن توزیع خطاها است و یا به عبارتی نرمال بودن توزیع باقیمانده های مدل برازش شده است. استقلال خطاها از یکدیگر در تحلیل رگرسیون دارای اهمیت است، آزمونی که فرض مستقل بودن باقی مانده ها از یکدیگر را تست می کند، آزمون دوربین - واتسون است. دامنه این کمیت بین ۴-۰ است و معمولاً محدوده بین ۲/۵-۱/۵ مورد قبول است. میزان دوربین واتسون به دست آمده برای مدل، نشان دهنده این است که باقی مانده ها مستقل از هم می باشند. همچنین پیش فرض مربوط به خطی بودن متغیرها از طریق آزمون تحلیل واریانس بررسی می شود که سطح

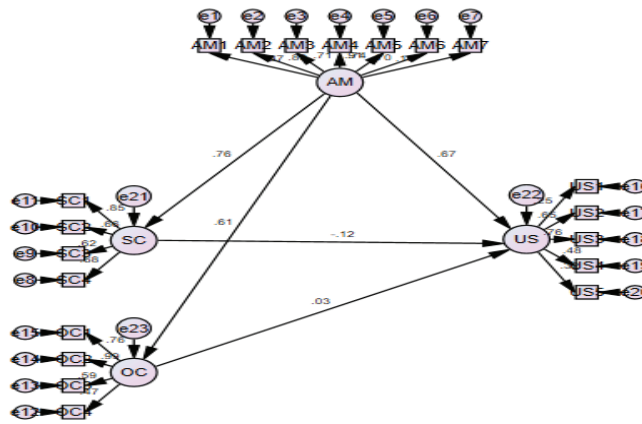
معنی‌داری کمتر از ۰/۵ / نشان‌دهنده داشتن رابطه خطی است. در واقع معنی‌داری F حاکی از این است که دست کم یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی رابطه معناداری با متغیر وابسته دارد.

بنابراین، برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر جامعه‌پذیری دانشگاهی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره با روش Enter استفاده شد. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که متغیرهای انگیزش تحصیلی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ‌سازمانی در مجموع ۲۳ درصد از تغییرات جامعه‌پذیری دانشگاهی را تبیین می‌کند و مابقی واریانس تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این تحقیق آورده نشده‌اند.

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش مدل معادلات ساختاری

IFI	CFI	AGFI	GFI	RMSEA
۰/۸۳۱	۰/۸۴۱	۰/۸۶۵	۰/۸۷۶	۰/۰۶۲

بر اساس جدول (۵) ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد برابر با (۰/۰۶۲) است که حاکی از قابل قبول بودن مدل است. شاخص‌های نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI) که به ترتیب (۰/۸۷۶) و (۰/۸۶۵) برآورد شده است نشان‌دهنده برازندگی مدل است. مقادیر شاخص برازندگی تطبیقی و شاخص برازندگی فزاینده هم حاکی از قابل قبول بودن مدل تجربی در این پژوهش است. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که مدل اندازه‌گیری از برازش مطلوبی برخوردار هستند به این معنی که متغیرهای آشکار به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند. همچنین در شکل ۱ مسیرها و ضرایب تأثیرگذاری متغیرهای مستقل به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر جامعه‌پذیری دانشگاهی نشان داده شده است. در این شکل متغیرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی (US)، سرمایه اجتماعی (SC)، انگیزش تحصیلی (AM)، فرهنگ‌سازمانی (OC) مشخص شده است. در شکل ۱ اعداد روی مسیرها، وزن‌های مسیر یا بتاها هستند. واریانس تبیین شده تأثیر شاخص‌های انگیزش تحصیلی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی برابر (۰/۶۷) است.



شکل ۲. مدل مستخرج از نرم افزار AMOS

### نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش مطالعه تعیین‌گرهای جامعه‌پذیری دانشگاهی در بین دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است. در پژوهش حاضر از متغیرهایی برای تبیین جامعه‌پذیری دانشگاهی استفاده شده است که مطالعات قبلی به آنها پرداخت نکرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که سرمایه اجتماعی با جامعه‌پذیری دانشگاهی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. هرچه میزان سرمایه اجتماعی دانشجو معلمان افزایش می‌یابد به همان اندازه میزان جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها هم افزایش می‌یابد. اگر جامعه‌پذیری دانشگاهی را به مثابه فرآیندی بدانیم که به‌واسطه آن دانشجویان ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش و مهارت‌های موردنیاز را برای زندگی در اجتماع کسب می‌کنند، این فرآیند بدون داشتن تعاملات مؤثر، اعتماد بین فردی در بین اعضای دانشگاه، ارتباط برون دانشگاهی و مشارکت در رویدادهای علمی و در نهایت بدون التزام به سرمایه اجتماعی دانشگاهی امکان‌پذیر نیست. واقعیت این است که دانشجویان در طول تحصیل خود بخشی از دانش‌ها و مهارت‌های خود را از تعامل با اجتماع دانشگاهی و مشارکت در وقایع علمی و پژوهشی به دست می‌آورند که در جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها سهم بسزایی دارد. رویکرد ساخت‌هنجاری علم مؤید این فرضیه هست که نهاد علم ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که به‌واسطه جامعه‌پذیری امکان‌پذیر است و این مکانیسم از طریق تشویق و تنبیه رخ می‌دهد. این یافته با نتایج مطالعات خوشنام (۱۴۰۱)، نیازی و

شفائی مقدم (۱۳۹۸)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و مهدیه و همکاران (۱۳۹۵) همسو است. البته باید به این نکته اشاره شود که در پژوهش‌های ذکر شده به صورت مستقیم به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی پرداخته نشده است و همین امر یکی از نقاط قوت پژوهش حاضر است. میدان واقعی دانشگاه حاکی از بی‌انگیزی دانشجویان، ضعف ارتباط دانشجویان با همدیگر در فعالیت‌های علمی و پژوهشی، مشارکت پایین در رویدادهای علمی، عدم تمایل به حضور در نشست‌های علمی، مشارکت پایین در مباحث کلاس درس است که نشانگر ضعف سرمایه اجتماعی دانشگاهی بوده و همین امر می‌تواند فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی را با چالش اساسی مواجه سازد.

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین انگیزش تحصیلی و جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. جامعه‌پذیری دانشگاهی فرآیندی است که با بسترسازی مؤلفه‌های مختلف نظیر مشارکت در فعالیت‌های علمی، تعامل دانشجویان با استاد و سایر همکلاسان و هم دانشگاهی‌های خود میسر می‌شود و این مهم با انگیزش تحصیلی صورت می‌گیرد. به یک معنا، در صورتی که دانشجویان فعالیت‌های علمی در دانشگاه فرهنگیان نظیر کارورزی، روایت پژوهی، اقدام پژوهی و درس پژوهی را با انگیزش کافی انجام دهند، فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی آنها به هنگام و مناسب صورت می‌گیرد. واقعیت این است که بخشی از جامعه‌پذیری دانشجویان معلمان در دوره‌های کارورزی و پژوهش‌های عملی مرتبط با آنها شکل می‌گیرد. در این دوره‌ها، دانشجویان ظرفیت‌های پژوهشی و علمی خود را به صورت عملی در کلاس‌های درس مدارس و ارائه آنها به استادان خود نشان می‌دهند. مدل مستخرج از نرم‌افزار آموس هم نشان می‌دهد که انگیزش تحصیلی به صورت مستقیم با ضریب (۰/۶۷) بر جامعه‌پذیری دانشگاهی تأثیر دارد و هم به صورت غیرمستقیم از طریق متغیر سرمایه اجتماعی بر جامعه‌پذیری دانشگاهی تأثیر دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های بهار هورنستین و همکاران (۲۰۱۶)، رستگار خالد (۱۳۹۰) همسویی دارد.

نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین فرهنگ‌سازمانی و جامعه‌پذیری دانشگاهی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. فرهنگ‌سازمانی اهمیت زیادی در جامعه‌پذیری درست دانشجویان دارد. در صورتی که فرهنگ‌سازمانی از ارزش‌های گروهی و مشارکتی در فرآیندها و عناصر دانشگاه حمایت داشته باشد، میزان تمایل و درگیری دانشجویان در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری، علمی و پژوهشی و فعالیت‌های داوطلبانه آنها افزایش خواهد یافت.

مشارکت دانشجویان در فعالیتهای علمی و پژوهشی، بسترهای لازم را برای تعاملات مؤثر آنها ایجاد کرده و موجبات شکل‌گیری جامعه‌پذیری دانشگاهی را فراهم می‌سازد. این یافته با نتایج پژوهش ماریا لویزا و همکاران (۲۰۲۲)، امین مظفری و یوسفی اقدم (۱۳۸۸) و محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۸۸) همسویی دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- مدیران دانشگاه زمینه‌های مشارکت دانشجومعلم‌ان در طرح‌های پژوهشی درون دانشگاهی را فراهم سازند تا جامعه‌پذیری دانشگاهی را در آنها تقویت نمایند. همچنین برای بهبود جامعه‌پذیری دانشگاهی مکانیسم‌های تشویق و پاداش را در ابعاد مادی و معنوی در جهت تشویق فعالیتهای علمی و پژوهشی دانشجویان به صورت مستمر دنبال کنند.

- با توجه به ارتباط مثبت و مستقیم بین سرمایه اجتماعی و جامعه‌پذیری دانشگاهی مدیران دانشگاه در برنامه‌ریزی‌های خود به زمینه‌های بهبود تعاملات و ارتباطات مؤثر در بین دانشجومعلم‌ان توجه جدی داشته باشند.

- مدیران دانشگاه زمینه‌های مشارکت دانشجومعلم‌ان در طرح‌های پژوهشی درون دانشگاهی را فراهم سازند تا دانشجویان در دوره دانشجویی همکاری و مشارکت در فعالیتهای پژوهشی و رویدادهای علمی در آنها تجربه نمایند.

## منابع

۱. امین مظفری، فاروق، یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر جامعه‌پذیری دانشجویان دکتری با نقش محقق مطالعه موردی دانشجویان دکتری دانشگاه تبریز، فصلنامه سیاست علم فناوری، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۷-۳۲.
۲. امیدیان، مرتضی؛ مهربانی، زهرا؛ حاجی یخچالی، علی رضا (۱۳۹۸). رابطه علی ذهن آگاهی و انگیزش تحصیلی درونی و بیرونی با میانجی چشم انداز زمان در دانشجویان دانشگاه شهید چمران، فصلنامه روان شناسی تربیتی، سال پانزدهم، شماره ۵۳، صص ۱۶۱-۱۸۱.
۳. خوش‌نام، مژگان (۱۴۰۱). تحلیل آسیب‌شناسانه از جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری، مطالعات جامعه‌شناختی، ۳۰(۱): ۷-۲۵.
۴. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه دل فروز، تهران، وزارت کشور.
۵. ربانی، علی؛ ربانی، رسول؛ همتی، رضا؛ قاضی طباطبایی، محمود. و ودادحیر، ابوعلی (۱۳۹۰). «شیوه‌های جدید تولید دانش و علم‌ورزی، تأملی جامعه‌شناختی بر تحول معیارهای اخلاقی و سلوک علمی در عرصه علم و فناوری»، فصلنامه اخلاق و فناوری، سال ششم، ش ۱، صص ۲۴-۱۲.
۶. رشتیانی، سهراب؛ رحیمیان، حمید؛ عباس پور، عباس (۱۳۹۷). رابطه جامعه‌پذیری دانشگاهی و مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان جوان دانشگاه تهران، مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۷، شماره ۳۹، صص ۱۰۱-۱۲۰.
۷. رستگار خالد، امیر (۱۳۹۰)، سنجش رابطه‌ی جامعه‌پذیری در دانشگاه با انگیزش تحصیلی دانشجویان، راهبرد فرهنگ، شماره‌ی دوازدهم و سیزدهم، صص ۱۳۵-۱۵۷.
۸. رفاهی‌بخش، سمانه (۱۳۹۹). رابطه جهت‌گیری اخلاقی با جامعه‌پذیری حرفه‌ای دانشجویان حسابداری مقاطع تحصیلات تکمیلی، اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۸۸-۹۶.
۹. رفیعی، حسن؛ موسوی، میرطاهر؛ قاسم‌زاده، داود (۱۳۹۵). ساخت و رواسازی پرسشنامه سنجش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۶۱؛ ۱۵۷-۱۴۱.
۱۰. شاین، ادگار (۱۳۸۳)، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برزو فرهی بوزنجانی و شمس‌الدین نوری نجفی، تهران: سیمای جوان.
۱۱. شائمی برزکی، علی؛ اصغری، ژیل (۱۳۸۹). رابطه جامعه‌پذیری سازمانی و تعهد سازمانی در شرکت گاز استان کردستان، پژوهش‌نامه مدیریت تحول؛ سال دوم، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۲۹.
۱۲. عباس‌زاده، محمد؛ بنی‌فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ بوداقتی، علی (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی با پایبندی به اخلاق پژوهش (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره پیاپی (۶۹)، شماره اول، صص ۶۳-۸۶.
۱۳. قانع‌راد، محمد امین؛ ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۸۹). تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال دوم، شماره ۴.
۱۴. مهدیه، عارفه، همتی، رضا، ودادحیر، ابوعلی (۱۳۹۵)، فرآیند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان دکتری؛ مورد دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره‌ی ۲۲، شماره ۱، صص ۴۵-۷۳.

۱۵. محسنی تبریزی، علیرضا، قاضی طباطبایی، محمود، مرجانی، سید هادی (۱۳۸۸)، تحلیل مسائل اساسی اجتماعی شدن علمی در محیط های دانشگاهی ایران، مجله جامعه شناسی معاصر، سال دوم، شماره اول، صص ۷۹-۱۰۲.
۱۶. نظر منصور، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ همتی، رضا (۱۳۹۵)، مسائل و چالش های جامعه پذیری علمی دانشجویان در محیط دانشگاه، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۱-۲۸.
۱۷. نظر منصور، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ همتی، رضا (۱۴۰۰). تحلیلی بر عوامل موثر بر جامعه پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی، راهبرد فرهنگ، شماره ۵۳، صص ۱۱۳-۱۵۴.
۱۸. نیازی، محسن؛ شفقانی مقدم، الهام (۱۳۹۸). تبیین رابطه جامعه پذیری علمی و شکل گیری هویت دانشجویی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۴، صص ۵۳-۷۲.
19. Austin, E. Ann (2002). Preparing the Next Generation of Faculty: Graduate School as Socialization to the Academic Career, *The Journal of Higher Education* 33(1) 94-122.
20. Al Murshidi, G. (2014). Doctoral students socialization in their academic disciplines. *International Journal of business and social science*. 5(6).
21. Bæck, U.-D. K. (2017). It is the air that we breathe. Academic socialization as a key component for understanding how parents influence children's schooling. *Nordic Journal of Studies in Educational Policy* 3(2)123-132.
22. Barger MM, Kim EM, Kuncel NR, Pomerantz EM. (2019). The relation between parents' involvement in children's schooling and children's adjustment: A meta-analysis. *Psychol Bull* 145(9):855-890.
23. Behar Horenstein, L. S., Isaac Gscored, N., Southwell, C., Hudson- Vassell, M. E, Niu, L., Pratto Alachua, M., Roberts, K., Wingfield, R., J; wolfgang, J. Zafar, Mueen A., Z. (2016). Promoting academic socialization through service learning experience, 28(2); 158-167.
24. Boon Weitz, P. (2005). *Lessons from Pierre Bourdieu's Sociology*, translated by Jahangir Jahangiri and Hasan Porsfir, Tehran, Agah Publications.
25. Cross, F., Marchand, A., Medina, M., Villafuerte, A. & Rivas-Drake, D. (2019). Academic socialization, parental educational expectations, and academic self-efficacy among Latino adolescents. *Psychology in the Schools* 56. 10.1002/pits.22239.
26. Caregnato, C., E, Miorando, B. S. (2023). Elements of reflexivity in the academic socialization of first-generation students in higher education, *Educ. Pesqui., São Paulo*, 491-18.
27. Martín-Alcázar, F., Ruiz-Martinez, M., & Sánchez-G. G. (2019). Social Capital and Academic Research Performance: A Conceptual Model Proposal, *International Journal of Business Administration* 10(2) 22-33.
28. Ritzer, G. (2014). *Sociological theories in the contemporary era*, translated by Mohsen Salasi, Tehran, scientific publication.
29. Strambler, M. j, like, lance H, ward, nadia (2013), Academic identification as a mediator of the relationship between parental socialization and academic achievement, *Contemporary Educational Psychology* 38(1) 99-106.
30. Saglietti M, Marini M and Livi S (2024) In their narratives: academic socialization in the experience of sensory processing sensitivity among university students. *Front. Psychol.* 15:1448443. doi: 10.3389/fpsyg.2024.1448443.